

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی

سفرنامه

● شرحی بر سفرهای ادوارد لین / جیسون تامپسون / حسن کامشاد

نویسنده این مقاله، جیسون تامپسون، نویسنده و تاریخ‌نگار نامدار، دربارهٔ مصرشناسی، تحقیقات کلاسیک و خاورشناسی در قرن نوزدهم آثار فراوان دارد. کتاب جدید او، زندگینامهٔ ادوارد ویلیام لین، در دست چاپ است.

دیرگاه بعد از ظهری در سپتامبر ۱۸۲۵، لرد انگلیسی ۲۴ ساله‌ای با ترس و لرز وارد بندر شرقی اسکندریه در مصر شد. خودش می‌نویسد: «پا که به خشکی گذاشتم، حالت دامادی را داشتم از مشرق زمین که تازه می‌خواهد روبند عروSSH را بردارد و برای بار نخست چهره‌ای را ببیند که مایه دلدادگی، یا سرخوردگی، یا بیزاری وی خواهد بود. و می‌افزاید:

سفر من به مصر صرفاً برای دیدن اهرام و معابد و غارها نبود تا پس از ارضای کنج‌کاوی‌ام، همانند جهانگردان به سراغ مناظر دیگر و دل‌خوشی‌های دیگر بروم. من می‌خواستم خود را یکسره در آغوش بیگانه‌ها بیندازم؛ زبان، رسوم، لباس آنها را برگزینم، تقریباً به طور کامل با مردم بومی درآمیزم، و به مطالعهٔ ادبیات‌شان پردازم. از این رو، احساسات من در آن دم نه چندان خوشایند بلکه بسیار هول و هراس‌آمیز بود.

دلوپسی ادوارد ویلیام لین (Edward William Lane) بی‌مورد بود. او روزی نام‌آورترین محقق بریتانیایی خاورمیانه می‌شود. بررسی شگفت‌انگیزی از جامعه مصر به عمل می‌آورد و کتابی آنچنان نهایی و پرخواننده می‌نویسد که پیوسته خواستار دارد.



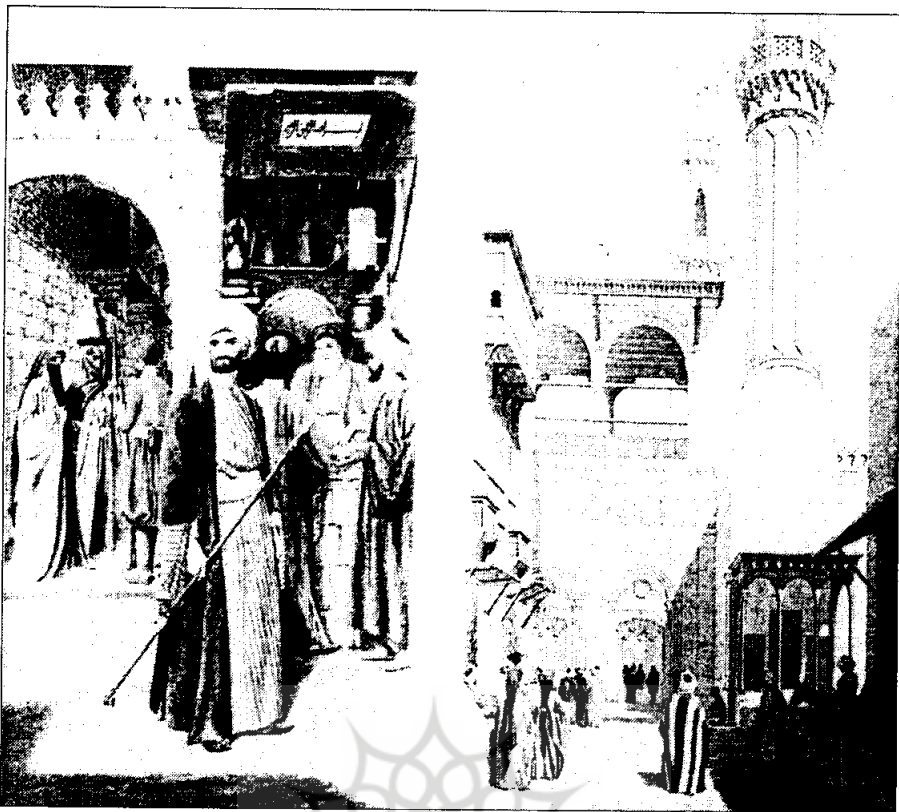
● ادوارد لین در نخستین دیدارش از مصر در ۱۸۲۵ جامه مردی عثمانی از طبقه بالا را در بر کرده، و برادرش ریچارد تصویر او را در این لباس کشید. این پوشش به او آزادی عمل می‌داد و می‌توانست بدون مزاحمت به سیر و تماشا بپردازد و از شهری هنوز عمدتاً قرون وسطایی تصویرپردازی کند.

فرهنگ بزرگ عربی - انگلیسی او مرجعی اساسی و جایگزین ناپذیر می شود؛ و ترجمه هزار و یک شب او نسل ها خواننده را آموزش می دهد و شادی می بخشد. در سرتاسر گستره مطالعات خاورمیانه نام لین بر سر زبان ها می افتد و مورد تمجید پژوهشگران غربی و عربی قرار می گیرد.

چهار سال پیش از این، لین شاگرد یک گراورساز در لندن بود. شغل برگزیده او بسیار طبیعی می نمود چون لین ها خانواده ای هنرمند بودند. عموی پدری لین، تاماس گینز بارو (Thomas Gainsborough)، نقاش نامی بود و یکی از برادرهای بزرگ تر او، ریچارد ج. لین هم نقاش میرزی شد. اما لین مقدر نبود گراورساز شود. کشف مجدد مصر باستان، پس از لشکرکشی ناپلئون به آن کشور، هیجان بزرگی در همه جا برانگیخته بود و اشیاء اسرارآمیز نفیس این سرزمین کهن موزه بریتانیا را انباشته بود. کتاب فروشی ها زیر سیل داستان های سیاحان رود نیل خرق بود. نمایشگاه فوق العاده چشم نواز جیووانی باتیستا بلزونی (Giovanni Battista Belzoni) درباره مقبره ستی اول، که او به تازگی در دره پادشاهان کشف کرده بود، در نزدیکی محل کار لین افتتاح شد. اینها همه نیروی تصور کارآموز گراورسازی را به سمت و سوی نویی گرایش داد. همان گونه که خودش بعدها نوشت:

نوعی دل بستگی شدید به مطالعه ادبیات شرق، و اشتیاق خاص به آشنا شدن با زبان عرب ها، و با رسوم و عادات آنان، مرا به سوی مصر می کشاند. ولی هدف های من تنها اینها نبودند، من از دیرباز آرزو داشتم آثار باستانی این کشور جالب توجه را بررسی کنم، و همیشه، حتی پیش از شروع سفرم، این احتمال را می دادم که مشاهداتم را به چاپ برسانم، از این رو تصمیم گرفتم از همه چیزهای به غایت شگفتی که احیاناً خواهم دید مقداری طرح بکشم؛ و خوب می دانستم که یک نقاشی، در بسیاری موارد، به اندازه صفحات زیادی شرح و تفصیل ارزشمند است.

لین سالیانی چند، هر لحظه که فراغتی یافت، وقتش را صرف خواندن هر مطلبی که درباره مصر قدیم و جدید به دست آورد، و فراگرفتن زبان عربی کرد. لرد بکسلی (Lord Baxley)، سیاستمدار انگلیسی، که خود محقق غیرحرفه ای ولی پرشور و اشتیاق، و دوست خانواده لین، بود هزینه سفر را ترتیب داد تا لین به رؤیای دیدن مصر تحقق بخشد. بدین گونه بود که لین در آن بعدازظهر پائیزی در ۱۸۲۵ وارد بندر اسکندریه شد. و پایش که به خاک رسید به دلهره افتاد: اگر بعد از این همه تمهید و تدارک مصر را نپسندد چه کند؟

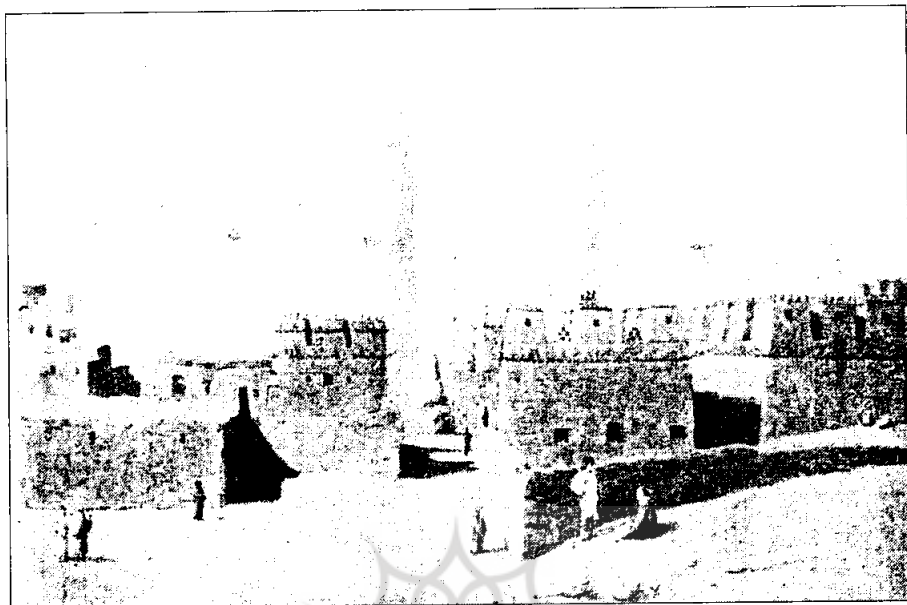


● تصویر سمت راست: ورودی دانشگاه الازهر - قاهره

● تصویر سمت چپ: کانون توجه لین از نخستین لحظات ورود به مصر مردم آن سرزمین بود. این صحنه رنگارنگ خیابانی قاهره مردی از طبقه بالا را جلو دکان مس فروشی شلوغی نشان می‌دهد. در زیر تاق سربازی از سپاه محمد علی در برابر دو زن مصری ایستاده است.

نگرانی‌های نخستین به زودی از بین رفت. مصر در اوایل قرن نوزدهم، گرچه اسماً یکی از ایالت‌های امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد، عملاً زیر سلطه استوار محمد علی پاشا بود که تقریباً مانند سلطانی مقتدر بر آن سرزمین فرمان می‌راند. قدرت او گاهی بی‌امان بود، اما نظم و امنیتی کمابیش بی‌سابقه به وجود آورد که مسافران را چون لین می‌توانستند در سراسر مملکت هر جا که می‌خواستند بروند و به راحتی و ایمنی هر چه را می‌خواستند ببینند.

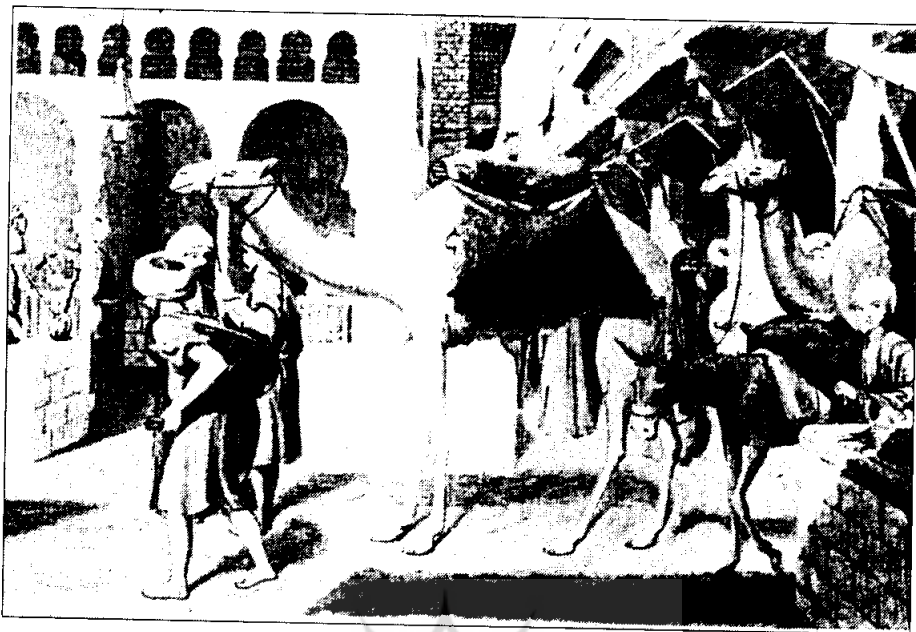
قاهره در آن زمان شاید یک چهارم میلیون جمعیت داشت، از نظر آداب و شکل و نما هنوز شهری کاملاً قرون وسطایی بود و در طول صدها سال چندان فرقی نکرده بود. لین از قدم زدن در کوچه‌های باریک و پر پیچ و خم بسیار لذت می‌برد، به مردم می‌نگریست، نمونه‌های فراوان معماری اسلامی را می‌ستود، در قهوه‌خانه‌ها می‌نشست و در دکان‌ها پرسه می‌زد. در شمال غربی شهر، به دور از بخش اروپایی نشین - یا به قول اهالی



● در دیدار نخست لین از معبد الاقصر در مصر علیا در ۱۸۲۶، دهکده الاقصر تا معبد گسترش داشت و تک ستون یادبود (ابلیسک) در سمت راست هنوز به پاریس، محل کنونی آن، برده نشده بود.

فرنگی نشین - خانه‌ای پیدا کرد. پوشاک فرنگی خود را دور انداخت، و مادام که در مصر بود لباس مصری پوشید و آداب و رسوم مصری پیشه کرد. در ظرف یک سال روان عربی حرف می‌زد. حتی به صورت شخصیتی شرقی درآمد، نام منصور افندی را برای خود برگزید، و این نام را بر انگشتر مُهر خود حک کرد و این حلقه انگشتر را همیشه تا پایان عمر بر انگشت کوچک دست راست داشت.

می‌نویسد «من، تقریباً منحصرأً، با مسلمانان قشرهای گوناگون اجتماع معاشرت کرده‌ام و همانند آنها به سر برده‌ام». این زندگی چشم‌انداز لازم برای مشاهده دقیق جامعه و زبان مصر را فراهم آورد، چشم‌اندازی که برای کار او حیاتی و بسی بیش از صرفاً یک ژست مناسب بود. همان طور که لیلا احمد دانشمند مصری نوشت: «لین مصر را دوست می‌داشت، کم و بیش به همه چیز آن بی قید و شرط عشق می‌ورزید. از لحظه ورود زندگی و کاری که به عهده گرفت همه در راه ایثار و خدمت به این کشور و فرهنگ بود که آن چنان دوست می‌داشت و در فضای آن، تقریباً از همان آغاز، بسی بیش از خاک خود



● لین خود را در این صحنه (نشسته، بر سکوی سمت چپ) در نزدیکی دروازه بازار خان الخلیل قاهره جا داد. تصویر سقاهای همراه یک کاروان را نشان می‌دهد، اولی پیاده در جلو دیگری سرگرم میزان کردن مشک آب بر گرده الاغ.

احساس آسایش می‌کرد.

هر چند لین در واقع فقط با مصریان مسلمان نشست و برخاست داشت، ولی عضو محفل کوچکی از مصرشناسان و شرق‌شناسان جوان اروپایی هم بود که در دهه ۱۸۲۰ در مصر می‌زیستند و در پژوهش‌هایشان به یکدیگر کمک می‌کردند. این محفل شامل کسانی بود چون سرگاردنر ویلکینسون (Sir Gardner Wilkinson)، بنیان‌گذار مصرشناسی در بریتانیا، رابرت هی (Robert Hay)، جوزف بونومی (Joseph Bonomi)، جیمز برتون (James Burton)، فردریک کاتروود (Frederick Catherwood) و دوکی آینده نورتامبرلند (Duke of Northumberland). از برخی اینان اکنون اندک یاد می‌شود، ولی کارشان برای دانشمندان بسیاری رشته‌های اختصاصی اهمیت فراوان دارد. اینها هم مانند لین در مصر هویت و طرز زندگی شرقی برگزیدند. ویلکینسون، برای نمونه، اسماعیل شد، و بنامی از روی بازیگوشی خود را ابونم (چرتی) نامید. همه‌شان جامعه مصری می‌پوشیدند.

اروپایی‌ها در لباس مصریان

در روزگار لین بیشتر سیاحان مصر لباس مصری در بر می‌کردند به این امید که خارجی بودن آنها جلب توجه نکند. طرز زندگی و لباس پوشیدن آنها معمولاً مانند مصریان بومی نبود، چون امید ناشناس ماندن در این هیئت عبث می‌نمود، پس خود را به شکل افراد نخه‌ترک‌های عثمانی در مصر درمی‌آوردند، که جزء لاینفک - و ممتاز - جامعه مصری پذیرفته شده بودند. این سر و وضع امتیاز دیگری هم داشت: تا اندازه‌ای احترام مردم عادی را برمی‌انگیخت. به نوشته لین در کتاب توصیف مصر:

[مسافر] در لباس اروپایی به ندرت مورد توهین یا آزار قرار می‌گیرد، ولی اگر لباس ترکی در بر داشته باشی از احترام برخوردار می‌شوی و هنگامی که می‌گذری، دهقانی که در مزرعه مشغول کار است، پا با الاغ یا شتر خود بار می‌برد، یا سواره از شهر یا روستا به جایی می‌رود، با تو سلام و علیک می‌کند.

سیاح پر نفوذی که لین از سرمشق‌اش پیروی می‌کرد یوهان لودویش بورکهارت^۱، پوینده و عرب‌شناس نامدار سوئسی، بود که به کشف پترا و ابوسمبل نایل شد. بورکهارت در نامه‌ای به پدر و مادرش در سوئیس نوشت: «اگر حالا مرا می‌دیدید گمان نکنم می‌شناختیدم»: پوشاک بورکهارت بر سنگ مزار او در گورستان باب النصر قاهره نقش شده است. یک دست لباس کامل مصری ادوارد لین در موزه اشمولین^۲ آکسفورد نگهداری می‌شود.

لین در این زمان غرق مطالعه عربی و فرهنگ معاصر مصری بود، ولی در ضمن علاقه‌اش به مصر باستان را از دست نداد و بخش بزرگی از نخستین کتابش را درباره این موضوع نوشت. اینک در اهرام جیزه کار می‌کرد و روزها را در یک مقبره می‌گذراند و با این حال می‌نویسد «هیچ‌گاه از این خوش‌تر نبوده‌ام». خط تصویری (هیروگلیف) تازه رمزگشایی شده بود و او نیز از خواندن این خط بی‌بهره نبود، از این رو توانست با یقین بیش از پیش بسیاری از آثار کهن را شناسایی کند. یادداشت‌ها و تصاویر او از جاها و اشیائی که در سال‌های پی‌آمد لطمه دیدند یا از بین رفتند دارای ارزش پایدار در مصرشناسی است. اگر کتاب اول او، توصیف مصر، در زمان حیاتش منتشر شده بود، لین یکی از پیشگامان نامدار مصرشناسی و نیز خاورشناسی شناخته می‌شد.

لین در نخستین دیدارش از مصر دو بار از طریق مصر علیا و بیابان نوبه (که اینک زیر

1. Johann Ludwig Burekhardt

2. Ashmolean



● لین دو بار در رود نیل تا آبشار دوم پیش رفت. این تصویر ذهابیه (قایق) و جاشوان آن نمونه‌ای است از نقاشی‌های او که سعی دارد هر چه بتواند اطلاعات در اختیار بیننده گذارد، از جمله جزئیات قایق، البسه جاشوها، آلات موسیقی آنها و حتی شدوف، دستگاه آب‌کشی، که در پس‌زمینه سمت راست دیده می‌شود.

آب‌های دریاچه ناصر است) به وسیله ذهابیه، قایق برگزیده نسل‌ها مسافر نیل، درازای این رود را تا آبشار دوم در وادی جلفا پیمود. این قایق مجلل رودپیما، با بادبان سه‌گوش زیبایش، کابین راحتی در قسمت عقب داشت، و لین از آنجا مناظر مصر را که از برابرش می‌گذشت تماشا می‌کرد، در محل‌های مهم باستان‌شناسی می‌ایستاد و به مطالعه می‌پرداخت. از انبوه یادداشت‌ها و طرح‌هایش، که در آرشیوهای بریتانیا محفوظ است، می‌توانیم سراسر مسیر او را پی گیریم. لین پس از یک سال و نیم توقف در قاهره و حدود همین مدت توقف در مناطق دورافتاده کشور، مصالح فراوان برای نوشتن کتابش گرد آورد، و در آوریل ۱۸۲۸ مصر را ترک گفت.

هنگام ترک مصر لین تنها نبود. دختر کوچکی به نام نفیسه همراهش بود، که او یا دوستش رابرت هی در بازار برده‌فروشان خریده بود. دختر که شاید بیش از هشت سال نداشت، در هرج و مرج جنگ استقلال یونان (۱۸۲۱ - ۱۸۲۶) به اسارت درآمده برای فروش به قاهره آورده شده بود. به روایت خانواده، شبی لین از بازار برده می‌گذشت،

دختر را که بیکه و تنها، به حالی ترحم‌انگیز، در تاریک - روشنی ایستاده بود، دید و از فرط دلسوزی او را خرید. ولی اوراق لاین نشان می‌دهد که رابرت هی دختر را خرید - و این محتمل‌تر است چون برده زن یونانی گران‌ترین نوع برده بود و لاین توانایی مالی چنین خریدی را نداشت. جریان هر چه بود، نفیسه به لاین سپرده شد. او دختر را به انگلستان برد و تحت مواظبت مادر لاین بزرگ شد. سال‌ها بعد، وقتی نفیسه به سن بلوغ رسید، با لاین ازدواج کرد. این پیوندی خوش و دوستانه بود و تا مرگ لاین یعنی ۳۵ سال دوام آورد. لاین به دوستش هی گفت «به عقیده من، همسری این چنین با محبت هیچ‌گاه وجود نداشته است».

لاین هم، مانند برخی سیاحان دیگر، دریافت که بدترین ضربه سرگشتگی فرهنگی نه هنگام رفتن به خاورمیانه بلکه هنگام بازگشت به وطن به شخص دست می‌دهد. عادت کرده بود روی فرش و تشک و نیمکت بنشیند، و حالا تحمل مبلمان انگلیسی دشوار بود. شبی در ضیافت شامی در گوش یکی از آشنایان زمزمه کرد: «من تاب این صندلی‌ها را ندارم. دوزانو که می‌نشینم آسوده می‌شوم». در محافل اشراف او را «لاین مصری» می‌خواندند. دشواری‌های نوسازگاری مانع کار لاین نشد و او بی‌درنگ شروع به نوشتن توصیف مصر کرد، اثری شگفت‌آمیز که تقریباً کلیه مطالعات رشته مصرشناسی را فرا می‌گیرد. با آنکه کتاب کم‌ویش در چهارچوب سیاحت‌ها و تجربه‌های شخصی نویسنده تدوین شده است، موضوع‌هایی چون تاریخ مصر کهن، مصر قرون وسطا و مصر جدید را نیز شامل می‌شود؛ و همچنین دید کلی مفصلی از جغرافیا و تولیدات خاک، شرح دقیقی از شهر قاهره، راه‌نمایی از شهرها و آثار باستانی دره نیل و بسیاری چیزهای دیگر به دست می‌دهد. پیش‌نویس نخست کتاب فصل‌هایی هم درباره «آداب و رسوم مصریان مدرن» داشت، که به بررسی جامعه معاصر مصر می‌پرداخت و بسی از آنچه قبلاً در این باره نوشته شده عمیق‌تر و درست‌تر بود.

لاین یک‌سوم کتاب را که تمام کرد، دست‌نوشته و طرح‌های مقدماتی خود برای تصویرها را نزد ناشر سرشناس لندن جان ماری (John Murray) برد. این بلندپروازی بود، چون ماری نه تنها ناشر چهره‌های تابناک ادبی مانند لرد بایرون، بلکه کاشفان و سیاحان نامدار خاورمیانه: از جمله ج. ال. بورکهارت و بلتسونی (Belzoni) بزرگ و ده‌ها تن دیگر بود. اما لاین ظاهراً اشتباه نکرده بود، چرا که جان ماری دوم، که آن زمان ریاست مؤسسه را به عهده داشت، تحت تأثیر آنچه دید قرار گرفت، کارشناسی که به مشورت طلبید نیز بر نظر او صحه گذاشت. به عقیده سنجیده آنها، این «بهترین اثر درباره

موضوع» بود. و در مورد نگارگری‌ها، ماری شگفت‌زده گفت دقیق‌تر از آنها چیزی ندیده است: «از اینها هر چه در کتاب بیشتر، بهتر».

آنگاه مشکلی رخ نمود. ماری بخش «آداب و رسوم مصریان مدرن» را می‌پسندید ولی به نظر او به مجموعه کار نمی‌خورد و اصرار داشت برداشته شود. لین با اکراه زیاد پذیرفت، و این مسئله که فیصله یافت، ماری موافقت کرد کتاب را منتشر کند. به لین گفت نوشته‌اش را به پایان رساند و هرچه بتواند روی تصویرها کار کند که خوب از آب درآیند و به شیوه کلیشه یا چاپ سنگی (روش ترجیحی لین) یا گراور چوبی به بهترین وجه چاپ شوند.

توافق ماری، لین را سرشوق آورد؛ به کار پرداخت و دست‌نوشته مفصلی حاوی حدود ۳۰۰/۰۰۰ واژه به خط زیبا و خوانای خود تهیه کرد. نزدیک به ۲۰۰ تصویر هم کشید. اینها همه شفاف و روشن ترسیم شده‌اند، و بهترین آنها را باید دست‌کم اثر هنری کوچکی خواند، ولی هدف اصلی لین همواره آن بود که با هر تصویر هرچه بیشتر و دقیق‌تر اطلاعات به خواننده برساند. همان طور که خود بعدها گفت غرض از تصویرها «نه آراستن صفحه‌ها، بلکه صرفاً تبیین متن» است.

ولی همین که کتاب را به اتمام رساند، بحران سیاسی دامنه‌داری بریتانیا را فراگرفت و قانون اصلاحات ۱۸۳۲ در پی آمد. دادوستد خوابید؛ فقط کتاب‌های مربوط به سیاست خواستار داشت. ماری مصلحت دید انتشار توصیف مصر را عقب بیندازد. این تعویق به درازا کشید، و لین به قعر افسردگی خزید. مدت‌ها آرزوی چاپ اثرش را کشیده بود، و سخت نیازمند پولی بود که فکر می‌کرد از آن به دست خواهد آورد. ضمناً به طور آزاردهنده‌ای دلش هوای مصر را کرده بود. آنجا خوش بود: هر لحظه‌اش مفهوم داشت، هر روز تجربیات تازه ارمغان می‌آورد، آینده سرشار از امکانات بود. به رابرت همی، که هنوز در مصر بود، نوشت: «فکر کن برای یک هفته بار دگر در طیوه بودن حاضر چه بدهم و چه طور از وقتم استفاده خواهم کرد! ای کاش جای تو بودم». آرزوی بازگشت داشت، ولی پول نداشت.

آنگاه لین به یاد «آداب و رسوم مصریان مدرن» افتاد، بخشی که به اصرار ماری از توصیف مصر حذف شده بود. در قرن نوزدهم نهاد جالب توجهی به نام کانون اشاعه دانش سودمند به منظور «انتقال اطلاعات مفید به همه طبقات اجتماع» در انگلستان وجود داشت، و لین متن خود را پیش آنها برد. این کانون تشخیص داد چنین کتابی کاملاً سودمند خواهد بود و پیش‌پرداختی در اختیار او نهاد تا برود به مصر و مطالب اضافی

گرد آورد. بدین ترتیب لین توانست در اواخر ۱۸۳۳ با کشتی عازم سفر دومش به مصر شود. لین بار دیگر غرق زندگی مصر شد، ظرایف آن جامعه را بیش از پیش به دقت بررسی کرد و همان گونه که انبوه یادداشت‌های روزانه و کتابچه‌های تمرین و نامه‌های برجا مانده‌اش نشان می‌دهد، همه را به واژه و تصویر در نهایت دقت ثبت کرد. بر حسب عادت همیشگی‌اش با تاب و توان و سرعت سرگرم کار شد، و کتاب را دقیقاً در موعد یکساله به پایان رساند و مهیای بازگشت به انگلستان بود که طاعون خیارکی همه گیر ویرانگری اسکندریه را درنوردید و سپس به قاهره گسترده. لین به سوی مخالف به طیوه در جنوب گریخت و چندین ماه دیگر در مقبره بزرگ زاده‌ای در کرانه غربی به سر برد. دوستش گاردنر ویلکینسون مزار را دگرگون کرده به صورت خانه مرفهی درآورده بود. عمل او، یعنی باکشتی پر از موش‌های آلوده سفر کردن و خود را به خطر ابتلا به بیماری انداختن، چه بسا امروزه به نظر ما عجیب آید، اما اقدام سریع لین به احتمال زیاد جاننش را نجات داد، چون طاعون بزرگ ۱۸۳۵ یک سوم جمعیت قاهره را کشت.

شرحی بر آداب و رسوم مصریان مدون در دسامبر ۱۸۳۶ انتشار یافت و بی‌درنگ با موفقیت روبه‌رو شد. چاپ نخست کتاب در ظرف چند هفته به فروش رفت و چاپ‌ها و ویرایش‌های متعددی از آن پس انجام پذیرفته است. در قرن نوزدهم آن را «کامل‌ترین تصویری از زندگی یک ملت که تاکنون به قلم آمده است» خواندند، و نفوذ فوق‌العاده آداب و رسوم با گذشت زمان هر روز نیرومندتر شده است. همان طور که ادوارد سعید در کتاب بحث‌انگیز شرق‌شناسی خود در ۱۹۷۸ نوشت، این کتاب «یک مرجع» شد و «استفاده از آن برای هر کس که درباره مصر بلکه شرق می‌نوشت یا می‌اندیشید، ضروری بود».

ولی شادی لین به مناسبت توفیق آداب و رسوم دیری نپایید، و چند روز پس از بیرون آمدن کتاب، مؤسسه جان ماری، تحت مدیریتی جدید، ناگهان قرارداد انتشار توصیف مصر را، که لین بسیار بیشتر به آن دل بسته بود، باطل کرد. در مدتی که ماری دست به دست کرد، بازار کتاب تغییر یافته بود، چاپ کتاب‌های بزرگ و مصور و گران‌قیمت، مانند توصیف مصر، از نظر مالی مخاطره‌آمیز شده بود، و لین در واقع نتوانست ناشر دیگری پیدا کند. با آنکه توجه او به چیزهای دیگر معطوف گردید، از ناکامی خود در انتشار کتاب نخست و محبوب‌اش در بقیه عمر متأسف بود. توصیف مصر سرانجام در سال ۲۰۰۰، یعنی یک قرن و یک چهارم پس از مرگ او، منتشر شد.

یأس و ناامیدی لین تا اندازه‌ای با پروژه وقت‌گیر دیگری، ترجمه الف لیلة والیل به

انگلیسی، تسکین یافت. لین از دیرباز به این اثر کلاسیک، که شب‌های عربی نیز خواننده می‌شد، علاقمند بود چون فکر می‌کرد مظهر «حالی‌ترین تصاویر آداب و رسوم عرب‌ها، و به‌ویژه آداب و رسوم مصری‌ها» است. اینکه کسی چنین حکایات عجیب و غریب، آکنده از سحر و جادو و رویدادهای غیرمحمتمل را راهنمای قابل اعتماد جامعه عرب و مصر بداند ممکن است شگفت بنماید، اما لین نکته بسیار مهمی را درباره هزارویک‌شب به وضوح فهمیده بود: شاید جن را در حقیقت نتوان قرن‌ها در یک بطری نگه داشت؛ ولی توصیف آن بطری - شکلش، طرحش، درپوش سرش - همه را می‌توان دقیقاً از زندگی واقعی ترسیم کرد. همچنین بسیاری شرح و تفصیلات دیگر را، مانند آداب و رسوم، سازمان سیاسی، مناسک دینی و فرهنگ مادی را، که همه در صفحات هزارویک‌شب به کرات یافت می‌شود. و دقیقاً این شرح و تفصیلات بود که ماری می‌خواست، با توضیحات لازم، تقدیم خواننده انگلیسی کند.

ترجمه هزار و یک شب لین از ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۰ به صورت جزوه‌های ماهانه بیرون آمد و سپس به طور کامل در سه جلد منتشر شد. کتابی بسیار خواندنی و لذت‌بخش که در بیشتر قرن نوزدهم برترین و بهترین برگردان این اثر بود. هر چند مآلاً ترجمه‌های دیگری بر آن سبقت جستند، ولی کتاب لین هنوز هم هواداران خود را دارد، چه هیچ ترجمه‌ای از هزار و یک شب را نمی‌توان نهایی شمرد. یکی از زیبایی‌های ترجمه لین ۶۵۰ تصویری است که زیر نظارت دقیق او به دست شماری از گراورسازان برجسته بریتانیا در کتاب گنجانده شد که ارزش دارد به خاطر آنها سراغ این اثر رفت. آماده‌سازی هزار و یک شب کار بس بزرگی بود، آزمایش سخت بی‌وقته‌ای که لین را مجبور کرد ماه به ماه سه سال تمام بی‌امان بنویسد - و فزون بر این نمونه‌های چاپی کلمات و تصویرها را غلط‌گیری کند. فرجام کار باز آسایشی نیاورد: ابتدا، مادرش، مهم‌ترین نفوذ شکل‌دهنده زندگی‌اش، درگذشت. سپس ناشر هزار و یک شب، پیش از آنکه طلب او را کاملاً بپردازد، ورشکست شد. لین تازه با نفیسه ازدواج کرده بود و بیش از هر وقت به پول نیاز داشت. در ضمن نمی‌دانست پروژه اصلی بعدی او چه خواهد بود و هزینه آن از کجا تأمین خواهد شد. در ۱۸۴۱، در چهل سالگی، لین به راستی با بحران، بحران نیمه عمر، دست به گریبان بود.

در این گیرودار دوست دیرین او دوک نورتامبرلند به یاری‌اش آمد. دوک پیشنهاد کرد لین با مساعدت او یک فرهنگ نهایی عربی - انگلیسی تهیه کند. زمانی در ایام جوانی، لین نوشته بود که «نوعی بستگی پر تب و تاب به مطالعه ادبیات شرق، و به‌ویژه آرزوی



● تصویر سمت راست: این تصویر از لین، به تاریخ ۱۸۳۵، پس از سفر دومش به مصر ترسیم شده است، که در طول آن دیدار آداب و رسوم مصریان مدرن را نوشت.

● تصویر سمت چپ: این تصویر را بعضی از نفیسه، همسر یونانی‌زاده ادوارد لین، می‌دانند که به روایت خانوادگی، لین در بازار برده‌فروشان به او برخورد، دختر را خرید و بعد با او ازدواج کرد (در حقیقت، احتمال دارد که دوست او، رابرت هی، خریدار اصلی بوده باشد) و محتمل‌تر آنکه تصویر اثر ریچارد برادر لین است و زن جوان مصری ناشناسی را نشان می‌دهد و از روی طرح‌های لین قلمی شده است. به هر صورت، نفیسه در قاهره خیلی شبیه این لباس می‌پوشیده است.

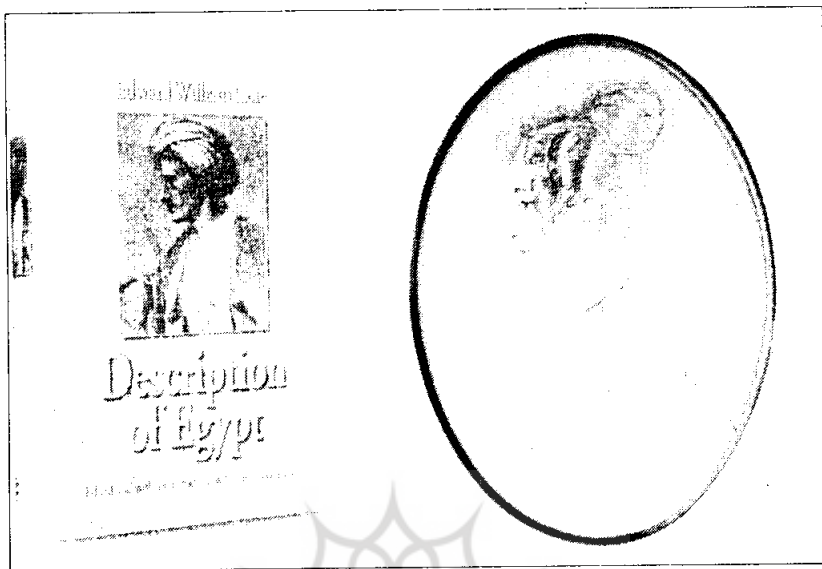
فراگیری زبان اعراب» وی را تسخیر کرده است، و اینک این فرصت، تحقق آرزویی بود که عمری در دل پرورده بود. باکمک مالی دوک، لین به تدارک بازگشت به مصر پرداخت تا متون کلاسیک فرهنگ‌نویسی عربی را، که پایه و اساس فرهنگ او را تشکیل خواهد داد، جمع‌آوری کند. آن زمان چیزی شبیه فرهنگ لغاتی که او طرح می‌ریخت وجود نداشت. دو اثر استاندارد وقت لغت‌نامه‌های عربی - لاتین قرن هفدهم فرانسیسکوس رافلنگیوس (Franciscus Raphelengius) و یاکوب خولیوس (Jacob Golius) بود. اینها که در زمان خود کارهای ممتازی شمرده می‌شدند، دیری می‌گذشت که دیگر روزآمد نبودند، مآخذشان محدود، گستره و سازمان‌مندی‌شان معیوب، و مملو اشتباه بودند. فرهنگ لغات عربی - لاتین تألیف گئورگ فرایتاک (Georg Freytag)، که در دهه ۱۸۳۰

منتشر شد، هم صرفاً کاستی‌های پیشینیان را تکرار می‌کرد. ضمناً این لغت‌نامه‌ها همه به لاتین بودند، زبانی که کاربرد فرهنگی آن رو به کاهش می‌رفت و با عربی نیز جور در نمی‌آمد. همان‌گونه که لین به دوک نورتامبرلند گفت: «هزاران لغت و عبارت عربی هست که خود سیسرو هم نمی‌توانست به لاتین بیان کند». هنگام آن رسیده بود که لغت‌نامه‌ای از عربی و یکی از زبان‌های عمدهٔ امروزی اروپایی تدوین شود. لین یک تنه به رفع این نیاز کمر بست.

لین همراه نفیسه و خواهر خود، سوفیا پول، و دو پسر او، استانلی و استوارت، در ژوئیه ۱۸۴۲ با کشتی عازم سومین سفرش به مصر شد. خانوادهٔ لین همیشه به هم نزدیک بودند، شوهر سوفیا او را ترک کرده بود، و لین با رغبت او را با خود می‌برد. لین و نفیسه هیچ‌گاه صاحب فرزند نشدند، از این رو او استانلی و استوارت را رفته رفته فرزندان خود می‌شمرد. همچنین امیدوار بود که سوفیا تجربه‌های خود در مصر را به قلم آورد. با آنکه کامل بودن کتاب آداب و رسوم را همه ستوده بودند، لین می‌دانست که شرح و بسط‌های او از زنان مصری تصنعی است: چرا که توانسته بود خود با زن‌ها گفت‌وگو کند و تقریباً همهٔ اطلاعاتش را از مردهای مصری درآورده بود. اما سوفیا می‌توانست به جاهایی که او نرفته بود برود و با عمق بیشتری دربارهٔ زنان مصری بنویسد. - و کتاب دستاورد او به پرداخت صورت حساب‌ها نیز کمک خواهد کرد.

این سومین و طولانی‌ترین دیدار از مصر با قبلی‌ها فرق داشت. در دو دیدار نخست، لین غالباً در اجتماع بود و در پهنه و درازای کشور سفر می‌کرد. این بار بیشتر در خانه می‌ماند، گاه ماه‌ها بیرون نمی‌رفت و کار بزرگی را که به عهده گرفته بود پیوسته پیش می‌برد. دستگیری عرب‌زبان، به نام شیخ ابراهیم الدسوقی، او را یاری می‌داد. شیخ ابراهیم رونویسی می‌کرد و لین می‌توانست نکات ظریف دستور و املای زبان عربی را با او در میان گذارد. گاه برای تنوع، بازی‌های لغوی عربی می‌کردند، ولی تمرکز حواس لین هیچ‌گاه از قاموس دور نمی‌افتاد.

سوفیا در این میان سرگرم نوشتن کتابش بود و لین اطلاعات در اختیار او می‌گذاشت و همواره پیشنهادهایی می‌داد و هر فصل تمام شده را بررسی و تصویب می‌کرد. سوفیا سر تا پا در چادر سیاه (جِبْرَه)، چهره‌اش پنهان در زیر برقی سنگین و دراز، سوار بر الاغ، شماری مستخدم به همراه، به دیدن حرمسرای بزرگان، از جمله محمد علی پاشای مقتدر مصر، می‌رفت، و همه جا با استقبال گرم روبه‌رو می‌شد. این رفت و آمدها، همان‌طور که خودش گفته است، «معاشرت‌هایی مکرر و دوستانه با بانوان طبقات بالا و



● سوفیا پول، خواهر لین، در سفر سوم او را همراهی کرد و در طول اقامت خود زن انگلیسی در مصر را نوشت.

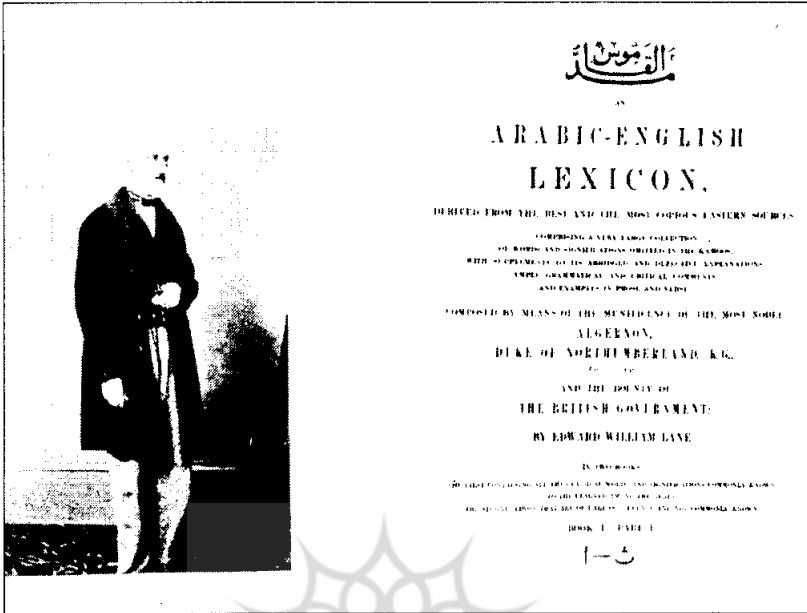
متوسط» فراهم آورد که «نظیرش، گمان کنم، برای کمتر زن انگلیسی روی داده باشد». کتاب سوفیا، زن انگلیسی در مصر، در سه جلد، بین ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۶ به چاپ رسید و در بریتانیا با استقبال شایان روبه‌رو شد. یکی از منتقدان نوشت «خانم پول اینک همان خدمتی را به مصر کرده است که لیدی مری ورتلی مونتگیو Mary Wortley Montague به ترکیه کرد»، یعنی، سوفیا را با قوم‌نگار بزرگ قرن هجدهم زنان و جامعه ترک برابر نهاد و افزود «علاوه بر این، نسبت خانوادگی خانم با آقای لین، پژوهشگر نامدار عربی و ساکن دیرین مصر، نویسنده را قادر ساخته درباره موضوعاتی اطلاع به دست آورد که معمولاً از یک مسافر زن انتظار نمی‌رود». با وجود این، سوفیا به گونه‌ای که لین می‌خواست پیش نرفت، چون، همان طور که خودش آشکارا اعتراف کرد، هرگز توانست بر پیشداوری‌های اجتماعی و مذهبی خود به اندازه کافی چیره شود و تصویر کاملی از زندگی زن مصری ارائه کند. با وجود این، زن انگلیسی در مصر یکی از پژوهش‌های کلاسیک قرن نوزدهم زنان مصری شد.

خانواده لین و پول در ۱۸۴۹ به انگلستان بازگشتند و در وردینگ (Worthing)، شهر

آرامی در کرانه جنوبی کشور، سکناگزیدند. لین فقط یک بار آنجا را ترک گفت، آن هم برای سفر به شهر مجاور، برایتون، و دیدن دوستی که در شرف مرگ بود. لین در وردینگ شیوه زندگی بسیار منضبطی را که در مصر بدان خو گرفته بود همچنان نگه داشت: هر روز صبح زود با گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» - کلام آغازین قرآن - شروع به کار می کرد و تا ساعت ده شب ادامه می داد، و فقط برای صرف غذا و پیاده روی بعد از ظهر در فضای سبز پیرامون، هنگامی که هوا خوب بود، دست از کار می کشید. روزهای جمعه واژه نگاری را کنار می نهاد و وقتش را با خانواده می گذراند و شاید چند دوست نزدیک را می پذیرفت، ولی از ارباب رجوع، هر چقدر هم مهم و سرشناس، توسط همسر و خواهرش عذر خواسته می شد؛ مؤدبانه منتها قرص و محکم، تا وقت گرانبهای او تلف نشود. روزهای یکشنبه مختص قرائت کتاب مقدس بود که او به عبری می خواند.

نخستین جلد قاموس هشت جلدی لین در ۱۸۶۳ از چاپ درآمد و اهمیت کار بی درنگ شناخته شد. حتی روزنامه تایمز لندن زبان فرو نیست: «در باب شیوه کار آقای لین دشوار بتوان به تحسین بسنده کرد، دقت مشهور او در تصویرپردازی، همراه با گونه ای دانش پژوهی - به دست آمده در شرق - که تحصیل آن آسان نیست، همه در اینجا به چشم می خورد. آشنایی اش با عادات و طرز فکر شرقی، و تمامی عوامل حیات شرق، بصیرتی غیر عادی در زمینه مفهوم و مقصود نویسندگان عرب به او می دهد... و اغراق نیست اگر بگویم که این اثر، وقتی تکمیل شود، بیشتر از هر چه در این قرن به چاپ رسیده است، به پیشرفت مطالعه زبان عربی کمک خواهد کرد».

لین، با جدیت و پشتکار باور نکردنی اش، جلدهای بعدی قاموس عربی - انگلیسی را، در فواصل تقریباً دو ساله، انتشار داد، اما کاملاً معلوم بود که با گذشت زمان در ستیز و با مرگ دست به گریبان است. جلد چهارم، حاوی حروف س، ش و ص را در ۱۸۷۰، به پایان رساند، ولی به هنگام چاپ همه نسخه ها، به جز یکی، در آتش سوخت و از بین رفت و دو سال از دست شد. لین ۶۸ ساله و کم بنیه شده بود. واکنش او به این حادثه افزودن بر جد و جهد بود. فکر و حواسش را حتی بیشتر تر و فشرده تر از پیش به قاموس تمرکز داد. اما تسریع تدوین، و چاپ و غلط گیری از میزانی نمی توانست تجاوز کند. لین سرگرم کار در بخش ق برای جلد ششم بود که در ۵ اوت ۱۸۷۶ بیمار شد، پنج روز بعد درگذشت. سه جلد آخر قاموس زیر نظر استانلی لین - پول (Stanley Lane - Poole) نوشته خواهر او منتشر شد، که خود در بسیاری رشته ها از جمله سکه شناسی عرب شهرت به هم رسانید.



انتشار توصیف مصر

۲۲۴

با آنکه آداب و رسوم مصریان مدرن لین را در مقام یک مستشرق نامدار نشانند، خود او توصیف مصر را بیش از دیگر آثارش دوست می‌داشت، و این کتاب بود که موجب سفر نخست او به آن دیار در ۱۸۲۵ شد. لین پس از فراهم آوردن شمار زیادی طرح نقاشی و دفترچه یادداشت به انگلستان بازگشت، نسخه خطی توصیف مصر را سه بار از نو نوشت و تصویرها را به نحو عالی آماده چاپ کرد، اما یک رشته بدبختی متوالی مانع نشر کتاب شد.

این ناکامی تلخی بود، و لین همه عمر امید داشت برای انتشار کتاب راهی پیدا کند. و پیوسته سرش به سنگ خورد. پس از مرگ او، یادداشت‌ها، تصویرها و نسخه‌های خطی توصیف مصر در کلکسیون‌های گوناگون بریتانیا پراکنده شد.

جیسون تامسون (Jason Thomson)، متخصص شناخت پژوهشگران، هنرمندان و سیاحان انگلیسی در خاورمیانه، کار کندوکاو او را به عهدہ گرفت و با زحمت زیاد و پراستی نهایی از توصیف مصر تهیه کرد. ولی مدتی مدید چنین می‌نمود که کوشش تامسون هم در احیای نخستین اثر لین تکرار مکرر مساعی بی‌ثمر خود نویسنده بوده است، چون ناشری در پی ناشر دیگر کتاب را پس می‌زد و آن را بی‌صرفه می‌خواند. در

این میان مارک لیتس (Mark Linz) و پالین ویکم (Pauline Wickham)، مدیر و سرپرستار انتشارات دانشگاه امریکایی در قاهره، به نگاه اول امکانات کتاب را دیدند. لیتس گفت «واکنش ما هیجان فوق‌العاده بود. ما می‌دانستیم این کتاب مهمی است و جیسون تامسون تنها کسی است که می‌تواند از عهده‌کار برآید». در سال ۲۰۰۰، نزدیک ۱۷۰ سال پس از زمانی که قرار بود توصیف مصر به چاپ برسد، انتشارات دانشگاه امریکایی در قاهره چاپی کامل و سرتاسر مصور از این اثر را منتشر کرد. اعتماد تامسون، لیتس و ویکم به کتاب قبلاً بلاطیع ادوارد ویلیام لین درست از کار درآمد: توصیف مصر به زودی به چاپ سوم می‌رسد.

قاموس عربی - انگلیسی ادوارد ویلیام لین هنوز ابزار پژوهش جایگزین ناپذیری برای زبان عربی کلاسیک است. در میان تعریف و تمجیدهای محققانه زیادی که طی دهه‌ها از آن شده است، سخن شرق‌شناس بزرگ کیمبریج، ا.ج. آبری در ۱۹۶۰ نمونه بارز است: «هر عرب‌شناسی از زمان لین به این سو وظیفه دارد به او به سبب کار و زحمت فوق بشری‌اش دعا کند، و تأسف بخورد که برنامه این کار را زودتر دز زندگی‌اش شروع نکرد، تا فرصت بیشتری برای اتمام آن داشته باشد. بی‌تردید گزاف نیست اگر بگویم که هیچ اثری به نحوی مربوط به مطالعات عربی در این قرن پدید نیامده است که شدیداً از قاموس بهره نگرفته باشد. در ستایش عظمت بی‌مثال آن همین بس که قاموس هنوز تا به امروز در رشته فرهنگ‌نویسی عربی سرآمد است، و هیچ دانشمند یا گروه دانشمندان چیزی که جای آن نشیند به وجود نیاورده است».

این ارزش‌یابی در قرن بیست و یکم هم حقیقت دارد. پروفیسور مانفرد وویدیح (Manfred Woidich) از دانشگاه آمستردام در توصیف قاموس لین می‌گوید: «ترکیب خوبی از دانش پژوهی شرقی و غربی. برای هر پژوهشگر دست اندرکار مطالعه عربی کلاسیک ابزار کاری ضروری و جایگزین ناپذیر در سالیان سال آتی است».

لین در گورستان وست نروود (West Norwood) لندن، نزدیک آرامگاه تنی چند از آشنایانش به خاک سپرده شده است، از جمله دیوید رابرتس (David Roberts) نقاش، که پیش از سفر تاریخی‌اش به مصر با لین به مشورت پرداخت، و هنرمند کم‌آوازه ترولی بسیار پراستعداد لوئی هگهی (Louis Haghe) که با مهارت تمام کارهای بسیاری از دوستان مشهورش، مثلاً رابرتس، را برای چاپ نسخه برداری کرد. زمانی لین نیز امیدوار بود که طرح‌های نهایی توصیف مصر به دست هگهی آماده شود.

اما، برای زیارت مزار لین به وست‌وود نروید، زیرا شورای محلی، که نمی‌دانست او

کیست و اهمیت هم نمی داد که کیست، چند سال پیش بنای یادبود را درهم کوبید و برای، به خیال خام خودشان، گسترش فضا قطعات بنا را با چرخ دستی بیرون بردند. ولی کارهای عمده لین - توصیف مصر، آداب رسوم مصریان مدرن، هزار و یک شب و قاموس عربی - انگلیسی - همچنان تجدید چاپ می شوند و اینهاست یادگارهای ماندگار مردی فروتن و دلپستگی وافر او به مطالعه ادبیات عربی، نه چند پاره سنگ.

منتشر شد:

اروپا از دوران ناپلئون

(۱۷۸۹-۱۹۷۰)

دو جلد

ترجمه خشایار دیهیمی و احمد علیقلیان

نشر نی، تهران، خیابان کریمخان زند، نبش خیابان میرزای شیرازی

تلفن ۲ و ۸۸۹۱۳۷۰۱